

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال هجدهم، شماره دوم

تابستان ۱۳۹۶، شماره مسلسل ۷۰

### روش‌شناسی تاریخی محمد ارکون

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۵

تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۸/۳۰

سید محمدعلی نوری \*

محمد ارکون، یکی از اندیشمندان معاصر عرب است که سهمی ویژه در تحول فهم و برداشت از تاریخ در مطالعات معاصر دارد. در این نوشتار که ویژه بازخوانی روش او برای فهم تاریخ اسلام است، ابتدا مفهوم روش‌شناسی تاریخی بیان شده و پس از مرور روش‌های پژوهشی عام ارکون، روش نقد تاریخی او مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است. وی که این روش را برای بررسی یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخ اسلام، یعنی عصر امویان و عباسیان به کار بسته است، با هجرت از فقه‌اللغه و نقد شیوه‌های مطالعاتی مستشرقان و اندیشمندان مسلمان، روشی نو را در مطالعه تاریخ اسلام به کار برده که تحلیل‌های عقلی و نقد منابع تاریخی، از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های آن به شمار می‌رود.

**کلیدواژگان:** محمد ارکون، روش‌شناسی تاریخی، روش نقد تاریخی، تاریخ‌نگاری

اسلامی، جهان عرب.

\* دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب، رایانامه: man13462002@yahoo.com

**مقدمه**

ویژگی‌های ذاتی و رویکردی مطالعات تاریخی، موجب شده است تا روش‌های مختلفی از مطالعات تاریخی عرضه شوند که هر یک دارای نتایج، دستاوردها و حتی نقاط ضعف و قوت متمایزی می‌باشند. این تحقیق، با کنکاش در آثار پژوهشگر مشهور و الجزایری جهان عرب، به نام محمد ارکون (م ۱۹۲۸م) در پی کشف و معرفی روش اختصاصی وی در مطالعات تاریخی می‌باشد. در موضوع روش‌شناسی محمد ارکون، آثاری چون: محمد ارکون *المفکر والباحث والإنسان* تألیف جمعی از اندیشمندان، *التراث والمنهج بین ارکون والجزایری* نوشته نایله ابی‌نادر و دو اثر با عنوان *نقد النص و الماهیة والعلاقة نحو منطق تحویلی* تألیف علی حرب، انتشار یافته است؛ اما هیچ‌کدام به صورت اختصاصی به روش‌شناسی مطالعات تاریخی وی نپرداخته‌اند. در این تحقیق، سعی شده است که پس از تبیین و معرفی روش‌شناسی مطالعات تاریخی وی، به صورت اجمالی به جانمایی این روش‌ها در آثارش پرداخته شود.

**معرفی محمد ارکون**

محمد ارکون در سال ۱۹۲۸م در الجزایر به دنیا آمد و تحصیلات اولیه خود را در الجزایر فرا گرفت. سپس، به فرانسه رفت و پس از مدتی، با دخالت لویی ماسینیون<sup>۱</sup> (م ۱۹۶۲م) در دانشگاه سوربون<sup>۲</sup> پذیرفته شد و پایان‌نامه خود را در مقطع دکتری در مورد ابن‌مسکویه (م ۴۲۱ق) به پایان برد و در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۰م<sup>۳</sup> در ۸۲ سالگی درگذشت. از اساتید وی می‌توان برونشویگ<sup>۴</sup> (م ۱۹۴۴م)، شارل پلا<sup>۵</sup> (م ۱۹۹۲م) و کلود کاهن<sup>۶</sup> (م ۱۹۹۱م) را نام برد. دغدغه اصلی وی، در مورد منابع اسلامی و کاربرد علوم انسانی در پژوهش‌های اسلامی است. نقد تفکر اسلامی، از موضوعات مورد توجه وی می‌باشد؛ به طوری که حجم قابل توجهی از آثار او، به این موضوع اختصاص یافته است. تحقیقات متعدد ارکون موجب شد که او به عنوان یک محقق تاریخ تفکر اسلامی شهرت یابد. برخی از کتاب‌های ارکون بدین شرح است:

الفکر العربی، الإسلام: أصالة وممارسة،<sup>۷</sup> تاريخية الفكر العربی الإسلامي أو نقد العقل الإسلامي،<sup>۸</sup> الفكر الإسلامي: قراءة علمية،<sup>۹</sup> الإسلام: الأخلاق والسياسة،<sup>۱۰</sup> الفكر الإسلامي: نقد وإجتهد،<sup>۱۱</sup> العلمنة والدين: الإسلام، المسيحية، الغرب،<sup>۱۲</sup> من الإجتهد إلى نقد العقل الإسلامي،<sup>۱۳</sup> من فيصل التفرقة إلى فصل المقال: أين هو الفكر الإسلامي المعاصر؟،<sup>۱۴</sup> الإسلام أوروبا الغرب،<sup>۱۵</sup> نزعة الأنسنة في الفكر العربی<sup>۱۶</sup> و آثاری دیگر.

ارکون در مدت فعالیت علمی خود، استاد دانشگاه سوربن در سال‌های ۱۹۶۱-۱۹۹۱م، استاد مدعو در دانشگاه برلین<sup>۱۷</sup> طی سال‌های ۱۹۷۷-۱۹۷۹م، استاد محقق در مؤسسه مطالعات پیشرفته برلین<sup>۱۸</sup> در سال ۱۹۹۰م، استاد در کالج مطالعات پیشرفته در پرینستون<sup>۱۹</sup> در سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۳م، استاد دانشگاه‌های لوس‌آنجلس<sup>۲۰</sup> ۱۹۶۹م، لوفان لانیف<sup>۲۱</sup> ۱۹۷۷-۱۹۷۹م و چند دانشگاه و مرکز علمی دیگر بوده است. با توجه به آثار وی در معرفت‌شناسی اسلامی و به‌ویژه پروژه‌هایش درباره عقل اسلامی، می‌توان چنین اذعان نمود که برخی از آثار او مستقیماً به تاریخ‌پژوهی مربوط می‌شود. ارکون با استمداد از تاریخ اسلام و به‌خصوص تاریخ قرآن، توانسته است شیوه‌های جدیدی از فهم تاریخی را به نمایش بگذارد.

### روش‌شناسی تاریخی

پیش از ورود به بحث، تذکر دو مقدمه لازم است؛ نخست باید به تعریف امر تاریخی پرداخت. امر تاریخی، یعنی یک واقعه یا رویداد تاریخی که مورخ درصدد کشف و فهم آن است. امور تاریخی را می‌توان به دو صورت در نظر گرفت؛ اول آنکه امر تاریخی را درون گذشته و همراه با آن ببینیم و در این صورت، مورخ همواره تلاش خواهد کرد با ابزارها و روش‌های معین، حجاب زمان را از آن واقعه تاریخی بردارد و به حادثه تاریخی نزدیک‌تر گردد و واقعه تاریخی را آن‌گونه که هست، ببیند. نگرش دوم، آن است که مورخ نه تنها تلاش نمی‌کند حجاب زمان را کنار بزند، بلکه برعکس برای رؤیت امر تاریخی در آینه زمان تلاش می‌کند؛ یعنی امور و حوادث تاریخی را همراه با زمان آن می‌بیند و زمان را جزئی از رویداد در نظر می‌گیرد. در این دیدگاه، شرایط اجتماعی و سیاسی، جزئی

جدانشدنی از امور تاریخی هستند و حوادث تاریخی همواره با این شرایط بررسی می‌شود.<sup>۲۲</sup>

هریک از این دو دیدگاه، روش‌ها و ابزارهای خاص خود را نیاز دارد. در دیدگاه اول، باید به دنبال جداکردن زمان از واقعه بود و به امر تاریخی بدون زمان نظاره نمود؛ درحالی‌که در دیدگاه دوم، امر تاریخی در بستر زمان بررسی می‌شود و حوادث تاریخی همراه با شرایط اجتماعی و ظرف زمان آن دوره، بررسی می‌گردد. بنابراین، با دو دیدگاه کاملاً متفاوت سروکار داریم که هر کدام، به یک روش خاص نیاز دارد.

مقدمه دوم اینکه برای شناخت امور تاریخی، همواره باید از روشی اثبات‌شده و استوار بهره بُرد و با توجه به فراوانی روش‌ها، انتخاب روش مناسب پژوهش، از اهمیت خاصی برخوردار است. از این‌رو، بعد از ارائه تعاریف روش‌شناسی، باید تعریف مختار را انتخاب نمود تا روشن شود که کدام مفهوم و چه نوعی از روش‌شناسی مورد نظر است. در اینجا، به ذکر برخی تعاریف روش‌شناسی می‌پردازیم.

روش‌شناسی، فرایندی است که روش ما را در رسیدن به امر واقعی رهنمون شده و نشان می‌دهد که از چه روشی برای رسیدن به امر تاریخی استفاده شود. صرف جمع‌آوری اطلاعات از چند منبع تاریخی و تبدیل آن‌ها به متن پژوهش، نمی‌تواند روشی تاریخی دانسته شود. در هر پژوهش، به یک روش نیاز داریم که بر اساس آن، اطلاعات را تحلیل کنیم، پیروانیم و بتوانیم یک ادعای تاریخی را مطرح کنیم.<sup>۲۳</sup>

روش‌شناسی تاریخی، ابزاری است که به ما می‌گوید چگونه یک مورخ می‌تواند از این ابزارها در جهت رسیدن به امر تاریخی استفاده کند.<sup>۲۴</sup>

در روش‌شناسی تحقیق، ما به دنبال مدل و الگویی برای پژوهش هستیم؛ یعنی الگویی برای تحقیقات انتخاب شده و بر اساس آن، تحقیق را ساماندهی می‌کنیم. بنابراین، روش‌شناسی، یک بستر و یک زمینه مطالعه خواهد ساخت که

تحقیقات خود را در آن انجام دهیم و پژوهش خویش را در آن سامان بخشیم.<sup>۲۵</sup>

روش‌شناسی تحقیق، عبارت است از استراتژی، برنامه کار و فرایند طرحی

که در پشت انتخاب روش مورد استفاده در تحقیق، نهفته است. روش‌شناسی، در

واقع، انتخاب و استفاده محقق را به نتایج مطلوب متصل می‌کند.<sup>۲۶</sup>

به‌طور کلی، روش‌شناسی، نوعی شناخت و منطق حاکم است که مسیر تحقیقاتی محقق را توضیح می‌دهد و توجیه می‌نماید؛ به سخن دیگر، در قالب روش‌شناسی به عنوان یک مدل فکری، اصول نظری یا چارچوب نظری معرفی می‌شود که انجام تحقیق بر اساس یک الگو یا انگاره فکری باید دارای چه ویژگی‌های کمی و کیفی باشد.<sup>۲۷</sup> روش‌ها و یا شیوه‌های پژوهش در تاریخ، یکی از دغدغه‌های اصلی دانشجویان و محققان دانش تاریخ است؛ به‌ویژه اینکه در روش‌شناسی، روش‌های پژوهش تاریخی، جایگاه مهمی ایفا می‌کنند؛ اما باید دانست که به‌طور عمومی، روش‌شناسی تاریخی یک اندیشمند، چیزی جدا از شیوه‌های او در پژوهش در علوم نیست. روش‌شناسی ارکون در فلسفه و تاریخ اندیشه، اجزایی دارد که روش‌شناسی تاریخی او زیرمجموعه آن خواهد بود. منظور از روش تاریخی نیز روش‌های تنظیم مواد تاریخی به لحاظ موضوع نیست؛ بلکه در پژوهش حاضر، سعی بر آن است تا روش‌های تعامل این اندیشمند با مواد تاریخی تبیین شود. چگونگی نگاه ارکون به تاریخ، تعامل با مطالعات تاریخی اندیشمندان، استفاده از علوم و به‌خصوص فلسفه، در مطالعات تاریخی و نهایتاً روش‌های پژوهشی تاریخی او مد نظر است. در ادامه، به روش‌شناسی عام ارکون می‌پردازیم و سپس، روش‌شناسی خاص او در تاریخ را بررسی می‌کنیم.

### روش‌شناسی تاریخی عام محمد ارکون

از ویژگی‌های مهم وی، رویکرد<sup>۲۸</sup> عقلانی به تاریخ است. محمد ارکون در مطالعه تاریخ، روشی عقلانی را در پیش گرفته است. او برای توصیف، تبیین و پیش‌بینی تاریخ، به روش عقلانی تمسک جسته است. ارکون در کتاب *نزعة الأئسنة فی الفكر العربی*، نقطه آغازین

مطالعات تاریخی خود را از قرن چهارم هجری که عصر شکوفایی علمی و تمدنی جهان اسلام است، آغاز نموده است. این کتاب، یکی از مطالعات نخستین او در اندیشه و تمدن اسلامی در این دوره است.<sup>۲۹</sup> این اثر، به مطالعه در مورد ابن مسکویه (م ۴۲۱ق) پرداخته است؛ اما شامل دو ویژگی مهم است؛ اول، توجه به مسائل مطرح‌شده در دین و جامعه اسلامی در آن دوره (قرن چهارم هجری)، و دیگری، تأکید بر کاربرد روشی عقلانی در مطالعات تاریخی که از سوی ارکون توصیه می‌گردد. ارکون در این کتاب، به بررسی آرا و اندیشه فلاسفه در آن دوره اکتفا نکرده و حتی آرای متکلمان اسلامی را نیز در این اثر مورد بررسی و دقت قرار داده است. ارکون در پژوهش خود در این دوره از تاریخ اسلام، تمام آثار و کتاب‌های ابن مسکویه و ابوحنیفان توحیدی (م ۴۰۰ یا ۴۱۰ق) و همچنین، ابوالحسن عامری (م ۳۸۱ق) را با توجه به محوریت اخلاق، مورد بررسی قرار داده است.<sup>۳۰</sup>

ارکون در *نزعة الأئمة في الفكر العربي*، گرایش به انسان‌گرایی<sup>۳۱</sup> را مطرح نموده که در تاریخ اسلام در همین دوره، ظهور آن را بررسی می‌کند. وی معتقد است، در این دوره از تاریخ اسلام، میل به انسان‌گرایی رابطه مستقیم با میل به عقلانیت و عقل‌گرایی دارد. او با مطالعه و بررسی آثار ابن مسکویه و ابوحنیفان توحیدی، درصدد اثبات نظر خود مبنی بر نقش گرایش به انسان‌گرایی در رونق تمدن اسلامی طی قرن چهارم هجری می‌باشد.<sup>۳۲</sup> ارکون قرن چهارم هجری از تاریخ اسلام را برای نمونه و با توجه به اهمیت آن، انتخاب نموده است. وی با توجه به رویکرد عقلانی و تأکید بر آزادی اندیشه متفکرانی که در این کتاب به آنان می‌پردازد، آن را بررسی می‌کند که در برابر جمود‌گرایی و تحجر ایستادند و با مناظره و جدل عقلی و نشان‌دادن تناقض‌های درونی استدلال‌های برخی از متکلمان مسلمان، به مقابله با آنان برخاستند.<sup>۳۳</sup>

دو کتاب *تاریخية الفكر العربي و الفكر الاسلامي* محمد ارکون، از این جهت حایز اهمیت هستند که به‌وضوح این رویکرد عقلانی به تاریخ را منعکس کرده‌اند. ارکون در رویکرد عقلانی به تاریخ اسلام، از شیوه تحلیل و بررسی تاریخی استفاده نموده است. او با تلاشی

مستمر در مطالعه عقلانی تاریخ اسلام، به این نتیجه می‌رسد که تاریخ باید دوباره نوشته شود و مورد بازبینی مجدد قرار گیرد. این بازنگری، باید بر اساس رویکردی عقلانی بوده، به لایه‌های زیرین تفکر و اندیشه تحلیل تاریخی منتهی گردد.<sup>۳۴</sup>

از نظر ارکون، میان تاریخ اندیشه و پویایی جامعه، ارتباط عمیق و پیچیده‌ای وجود دارد و این ارتباط، بی‌شبهت به ارتباط بین فرهنگ و جامعه نیست. ارکون با خرده‌گرفتن به برخی روش‌های مطالعات تاریخی، تاریخ تفکر را به صورت متراکم و قطعاتی برهم‌انداخته می‌بیند. ارکون عقیده دارد که تاریخ هیچ‌گاه یک خط مستقیم رو به بالا نیست.<sup>۳۵</sup> ارکون در مورد ارتباط تاریخ و اسلام، معتقد است: «اسلام، در تاریخ است و تاریخ، در اسلام نیست.»<sup>۳۶</sup> این در حالی است که بسیاری از اندیشمندان اسلامی معتقدند دین اسلام، فرا تاریخی و برتر از تاریخ است.<sup>۳۷</sup>

#### ۱. نقد شیوه‌های مطالعات اسلامی

محمد ارکون، شیوه‌های مطالعاتی مستشرقان و متفکران مسلمانان را مورد نقد قرار داده است. وی معتقد است که در مطالعات ایشان، از اصول پژوهش فاصله گرفته شده و به شیوه‌های مطالعاتی جدید نیازمندیم. ارکون در طی تحقیقاتی، ناقص بودن پژوهش مستشرقان و اندیشمندان اسلامی را گوشزد نموده و شیوه‌های نو و جدیدی را پیشنهاد می‌کند. نقدهای وی را می‌توان طی دو محور چنین دسته‌بندی نمود:

**الف. مطالعات اسلامی مستشرقان:** این دسته از مطالعات، ناکافی، ناقص و ناتوان از فهم واقعی اسلام و دقت شایسته در متون اسلامی است. ارکون معتقد است که دو نوع قرائت متفاوت از تاریخ وجود دارد؛ اول، قرائت رسمی از تاریخ که تحت تأثیر و سلطه حکام و پادشاهان شکل می‌گیرد و آنچه باب میل و طبع آنان است، به عنوان تاریخ نوشته می‌شود. این قرائت، همان چیزی است که حکام و پادشاهان می‌خواستند مردم بدانند و از آن اطلاع پیدا کنند.

دوم، قرائت غیررسمی از تاریخ که کلّ حوادث تاریخی اتفاق افتاده را شامل می‌شود که ممکن است با اعمال سلطه پادشاهان، از تاریخ حذف شده باشد؛ یعنی حوادثی از تاریخ که به عمد حذف شده و یا در حاله‌ای از ابهام قرار گرفته است و نیز بخش‌هایی از تاریخ که به وسیله شکست‌خوردگان و مستضعفان نوشته شده است و حکام و پادشاهان می‌خواهند آن را مخفی کنند.<sup>۳۸</sup>

محقق تاریخی که به صورت انتقادی به تاریخ می‌نگرد، باید بخش‌های حذف‌شده از تاریخ را ببیند و از آن‌ها آگاهی یابد. او باید دیدگاه عقلانی خود را بر کلّ تاریخ گسترش دهد و چیزهایی را که نظام سلطه و حکام جور از تاریخ حذف کرده‌اند، به تاریخ بازگرداند. به نظر ارکون، مستشرقان تحت تأثیر دیدگاه اولّ که قرائت رسمی از تاریخ است، قرار دارند و به بررسی تاریخ اسلام تحت تأثیر این دیدگاه پرداخته‌اند و از دیدگاه دوم غافل بوده‌اند و این، یکی از چالش‌های روشی آثار آنان در تاریخ تفکر اسلامی محسوب می‌شود.<sup>۳۹</sup>

باید یادآور شد که ارکون در بدو امر، شیوه مطالعات اسلامی مستشرقان را پذیرفته بود و بر اساس آن، تحقیقاتی را ارائه کرده بود؛<sup>۴۰</sup> اما در مرحله بعد، این شیوه مطالعاتی را مورد انتقاد قرار داد و شیوه آنان را برای شناخت صحیح اسلام، ناکافی و ناقص دانست. وی در نقد مطالعات مستشرقان، معتقد است که این مطالعات، از جهت روشی، یک‌سویه می‌باشد. به اعتقاد وی، مطالعات اسلامی مستشرقان ارتباط تنگاتنگی با لغت‌شناسی<sup>۴۱</sup> دارد و تنها می‌تواند بخش محدودی از معانی قرآن و سنت و تاریخ اسلام را در بر گیرد و در چنین رویکردی، مطالعات مستشرقان محدود به چارچوب قواعد لغت خواهد بود.<sup>۴۲</sup>

محمد ارکون، شیوه مستشرقان را از جهات متعددی مورد نقد قرار داده است.<sup>۴۳</sup> وی معتقد است که سطحی‌بودن شناخت مستشرقان درباره اسلام، یکی از اشکالات مطالعات آنان است؛ زیرا مطالعه بر اساس لغت، به محقق دید محدودی می‌دهد.<sup>۴۴</sup> بنابراین، محقق برای تکمیل مطالعات خود، به اموری مانند اساطیر متوسل خواهد شد.<sup>۴۵</sup>



دیگر اشکالی که ارکون به روش مستشرقان وارد می‌کند، از بین بردن اصالت متون (قرآن و حدیث) است. ارکون، معتقد است که اینان ناخودآگاه تحت تأثیر ایدئولوژی خاصی قرار دارند؛ چون در بررسی قرآن (وحی)، انجیل و تورات را اصل گرفته و قرآن را فرع آن دانسته‌اند و در زمینه فلسفه اسلامی و تعامل با عقل نیز به اصیل بودن تفکر یونانی پایبند می‌باشند. به عقیده ارکون، بسیاری از مستشرقان، نصّ قرآن را از بین بردند و افرادی مثل نولدکه (م ۱۹۳۰م)<sup>۴۶</sup> و بلاشر (م ۱۹۷۳م)<sup>۴۷</sup> با عقیده به اصالت انجیل و تورات و تبعی دانستن قرآن، اصل بودن آن را مورد بی‌توجهی قرار دادند.

تحقیقات و مطالعات ارکون درباره اسلام و منابع اسلامی، از نوع معرفت‌شناسانه است؛ تا تاریخ قرآن؛ به طوری که وی هنگامی که در مورد آیات قرآن - مانند سوره علق - به بحث می‌پردازد، به آن از منظر معرفت‌شناسانه می‌نگرد.<sup>۴۸</sup> ارکون، معتقد است که مستشرقان در روش خود، بین ادبیات تاریخی تفکیکی قائل نمی‌شوند؛ مثلاً در بررسی کتاب طبری، اثر او را تنها از نظر انتساب به ایدئولوژی و مذهب خاص و یا شیعه و سنی بودن بررسی می‌کنند و فقط به طبقه‌بندی طبری بر اساس ایدئولوژی توجه دارند؛ اما از تحلیل‌های عقلانی تاریخی غافل مانده‌اند.<sup>۴۹</sup>

ب. مطالعات اسلامی اندیشمندان مسلمان: روش دیگری که ارکون به نقد آن پرداخته، شیوه مطالعات اندیشمندان مسلمان است. وی اعتقاد دارد که اندیشمندان مسلمان تحت تأثیر مستشرقان و با شیوه ایشان، به پژوهش پرداخته‌اند. وی معتقد است، محوریت روش لغوی در فهم اسلام، چنان است که در تحقیقات مسلمانان دیدگاهی مسلط از مطالعات اسلامی را به نمایش می‌گذارد. حاکمیت چنین فضایی، بیانگر این خواهد بود که پژوهش‌های مسلمانان نیز تحت تأثیر شیوه‌های مطالعاتی مستشرقان قرار گرفته<sup>۵۰</sup> و نقل نصوص قرآنی و احادیث و سیره به‌جای مانده از پیامبر ﷺ و رفتار صحابه، همگی در چارچوب روش لغوی تحلیل و تفسیر می‌گردد. البته برخی از اندیشمندان مسلمان نیز متوجه این نقص‌ها شده و درصدد نقد آن برآمده‌اند. ایشان آثار مستشرقان را که متضمن

شبهاتی است، یا از روی جهالت می‌دانند و یا به سبب اغراض شخصی و مذهبی. از جهت روشی، می‌توان افرادی چون طه حسین (م ۱۹۷۳م)<sup>۵۱</sup> را که اهتمام خاصی به «نقد گفتمان دینی» داشت، به عنوان نمونه معرفی نمود. او به دلیل جانب‌داری از روش مستشرقان، از تفسیر دو قرن اول و دوم هجری در زمینه نقد دینی و فرهنگی منابع اسلامی ناتوان بود و در تبیین فضای اجتماعی - فرهنگی و معرفتی آن دوره در آثار خود، عاجز ماند. این در حالی است که ارکون عقیده دارد نقل‌ها تا آن دوره عمدتاً شفاهی بود و کتبی‌شدن متون، رفته‌رفته تقویت گردید؛ اما آنچه حایز اهمیت است، فراموشی عوامل مهمی در مطالعات است که تبیین برتری نگرش‌های افسانه‌وار و مجازگونه را بر نگرش عقلانی توجیه می‌کند. سؤالی که ارکون در مورد این برتری مطرح می‌کند، این است که چه عواملی در این دوره (قرن اول و دوم)، باعث شد نگرش‌های افسانه‌وار و مجازگونه بر نگرش عقلانی چیره شود؟ وی در پاسخ اضافه می‌کند که توجه به عواملی مثل: اختراع کاغذ، استفاده از خط در زبان عربی، تکامل خط از نظر تاریخی، ورود منطق و ترجمه فلسفه و علوم یونان، ما را در تحلیل‌های تاریخی ملزم خواهد ساخت که همه جوانب را بسنجیم. با کنار گذاردن نشانه‌های تاریخی اشاره‌شده می‌یابیم که سیر روند عقلانیت در اسلام، رفته‌رفته تحت تأثیر عوامل یادشده رشد یافت و همین عوامل، در شکل‌دهی ذهنیت جامعه نقش بسزایی ایفا نمود. این در حالی است که رویکرد لغوی، خلاف این روند را دیکته می‌کند. ارکون، معتقد است که رویکرد لغوی ما را محدود خواهد ساخت و در نتیجه، از قراین تاریخی و تحلیل درست وقایع ناتوان خواهیم بود.<sup>۵۲</sup>

باید توجه داشت که عقل‌گرایی، پس از اختراع کاغذ و پیدایش خط اتفاق افتاد و با وارد شدن فلسفه یونانی و قواعد منطقی قوت یافت. جدال دوگانه شفاهی‌بودن و نوشتاری‌بودن از یک سو، و جدال اسطوره و عقلانیت در مطالعه تاریخ اسلام از سوی دیگر، همواره باید لحاظ گردد. بنابراین، نباید این جدال مستمر را در مطالعات تاریخی فراموش کرد و تحلیل نادرستی از تاریخ ارائه داد. به عقیده ارکون، از این نظر، تاریخ باید

از نو بازنویسی گردد.<sup>۵۳</sup> ارکون، روش جدیدی در مطالعات خود در مطالعات تاریخی و اسلامی به کار گرفت و این شیوه نو را «شیوه نقد تاریخی» نامید که در ادامه، به معرفی آن پرداخته خواهد شد.

## ۲. استفاده از داده‌های علوم انسانی

از دیگر ویژگی‌های مهم تحقیقات و مطالعات تاریخی ارکون، استفاده از داده‌های علوم انسانی است. ارکون به عنوان راه حلی برای فهم میراث اسلامی و ارائه چارچوب‌های جدید، استفاده از داده‌ها و روش‌های علوم انسانی را پیشنهاد می‌دهد. به اعتقاد او، علوم انسانی شامل چارچوب‌های معرفتی جدیدی است که محقق را توانا خواهد ساخت بهتر با منابع و میراث اسلامی تعامل داشته باشد.<sup>۵۴</sup> در این راستا، یکی دیگر از اشکال‌های اساسی محمد ارکون به روش لغوی مستشرقان، آن است که روش‌های آنان در بررسی قرآن، تاریخ و سایر مطالعات اسلامی، برگرفته از روش‌های قرن ۱۹ است. به عقیده وی، اینان به روش‌های قبلی وفادار مانده‌اند؛ درحالی‌که پس از نیمه قرن ۲۰، پیشرفت‌های سریعی در علوم انسانی و روش‌های آن پدید آمده است که مستشرقان در مطالعات خود، از این پیشرفت‌های روشی بی‌بهره‌اند.<sup>۵۵</sup>

به عقیده ارکون، کاربرد علوم انسانی در مطالعات اسلامی، می‌تواند بسیار گسترده باشد. ارکون، در تشبیهی معتقد است که دانشمندان بیولوژیک داده‌ها و نظریات علمی خود را بر موجودات زنده کاوش کرده و نتیجه مطالعات خویش را به صورت پویا ثبت می‌کنند. همین روند نیز در مطالعات اسلامی قابل پیاده‌سازی خواهد بود؛ محققانی که با علوم انسانی سروکار دارند و نظریات علوم انسانی را بر منابع اسلامی پیاده‌سازی می‌کنند، به مثابه همان دانشمندان بیولوژیک هستند که بر روی موجودات زنده آزمایش و تحقیق می‌کنند.<sup>۵۶</sup> در چنین روشی، علاوه بر توفیق بیشتر، محققان تأثیر و تأثر را از نزدیک شاهد خواهند بود.

### ۳. ارتباط گذشته با حال و آینده

یکی از شیوه‌های پژوهشی ارکون، مطالعه گذشته برای ساخت حال و آینده است. وی ابتدا با مراجعه به منابع گذشته، به دنبال اکتشاف گذشته تاریخی به طور کامل است. به نظر ارکون، ما شناخت دقیقی از گذشته نداریم. بنابراین، هدف ارکون، شناخت کامل گذشته است؛ یعنی درصد رفع نیازهای معرفتی است که آن‌ها را می‌تواند از گذشته به دست آورد. بازگشت به حال و نگاه به آینده نیز با همین رویکرد است؛ زیرا آن معارفی که ارکون از گذشته به دست آورده، در حال و آینده موجود نبوده و ریشه‌های آن در گذشته است. برای شناخت بهتر حال و آینده، باید به سراغ گذشته رفت؛ تا حال و آینده را بهتر بشناسیم. از نظر او، تاریخی که به صورت ناقص و گزینشی به دست ما رسیده، تمام گذشته نیست تا بتوان به آن دل خوش داشت. بنابراین، ارکون با رجوع به گذشته، به دنبال ابزاری کارآمد و تکمیل عواملی تاریخی است که نصوص و متون فعلی ما را قوام بخشیده و کامل نموده است؛<sup>۵۷</sup> حتی ارکون معتقد است که نصوص و متون دینی تعریف خود را از همین عوامل تاریخی برگرفته است. ارکون، این رویکرد را شیوه «عقب‌گرد معرفتی»<sup>۵۸</sup> نام می‌نهد.

در مقابل این شیوه، روش دیگری وجود دارد که ارکون آن را شیوه «جلورفت معرفتی»<sup>۵۹</sup> می‌نامد. ارکون در این شیوه، اعتقاد دارد که نباید اثر ایدئولوژیک و پویایی این نصوص و متون دینی را از یاد بُرد. بنابراین، ما باید به دنبال نقش‌آفرینی‌های نصوص دینی باشیم و در حقیقت، ارکون تأکید دارد که باید به یاد داشت که نصوص دینی، چه معانی و اجتهاداتی را سبب شده است. به اعتقاد وی، گستردگی اجتهادات و معانی، حکایت از زنده‌بودن نصوص و متون دینی دارد.<sup>۶۰</sup>

### روش‌شناسی تاریخی خاص محمد ارکون

منظور از روش‌های خاص تاریخی، شیوه‌های پژوهشی است که ارکون مستقیماً در تاریخ از آن استفاده نموده و تعامل وی با تاریخ را نشان می‌دهد. محمد ارکون، در گذر از

روش‌های استشراقی و ورود به مطالعات تطبیقی اسلامی، روشی را ابداع نمود که می‌توان آن را یک روش ترکیبی نامید. وی ابتدا تحت تأثیر روش‌های لغوی، مطالعات خود در قرآن و اسلام را آغاز نمود؛ اما در تطبیق با اسلام و قرآن، روش‌های مستشرقان را ناکافی دید و راهی جدید را ابداع کرد. ارکون، این شیوه را «نقد تاریخی» نامید. از منظر وی، شیوه نقد تاریخی، بر دو اصل ذیل استوار است:

۱. ترک کردن معنای لغوی و تعامل نمودن با تاریخ: در روش لغوی، اصل، معنای لغوی بوده، با عنایت به معنای لغوی الفاظ، پژوهش‌های تاریخی صورت می‌گرفت؛ اما ارکون با تأکید بر جداسدن از این شیوه و تعامل با قراین و شرایط اجتماعی و سیاسی و فرهنگی نصوص، درصدد فرا گرفتن معانی جدیدی از متون اسلامی است.
۲. ردّ نظریه انتقال معانی تمدنی: در شیوه لغوی، این پیش‌فرض وجود داشت که معانی از تمدنی به تمدن دیگر بدون تغییر انتقال می‌یابد. در حقیقت، در این شیوه، اصل و فرع مطرح بود و تمدن بعدی، فرع تمدن قبلی فرض می‌شد؛ اما ارکون قائل شد که معانی از تمدن قبلی با تغییر فراوان و حتی تبدیل‌شدن به معانی تازه، به تمدن جدید انتقال می‌یابد.

● **تعامل تمدن‌ها با یکدیگر:** ارکون عقیده دارد که تمدن اسلامی، از تمدن‌های قبل تأثیر پذیرفته است و این، اصلی است که در تمام تمدن‌ها جریان دارد. بنابراین، ارتباط میان تفکر و واقعیت باید حفظ گردد. جامعه، اصل است و افراد، فرع آن هستند. بنابراین، نباید افراد را از جوامع خودشان جدا فرض کرد.

● **مطالعه تمام افکار:** هر تفکری، نتیجه یک حقیقت اجتماعی و فرهنگی است. به اعتقاد ارکون، تعامل با افکار، ضروری است؛ زیرا این افکار هستند که به واقعیت خواهند پیوست.

● **مطالعه افکار برای رسیدن به نوع شریعی که در آن شکل گرفته‌اند:** افکار در یکسری از شرایط اجتماعی و فرهنگی و سیاسی شکل می‌گیرند. این شرایط باید در این فرایند کشف گردد.<sup>۶۱</sup>

عزیمت ارکون از روش لغوی به اصول پیش‌گفته، در مطالعات او به نام «مطالعات تطبیقی اسلامی» نامیده شد.<sup>۶۲</sup> در این مسیر، در حقیقت، ارکون به دنبال استفاده از مطالعات مستشرقان به عنوان مجموعه‌ای از افکار بود که در یک فرهنگ شکل گرفته‌اند و باید مورد مذاقه قرار گیرند و نقد و بررسی گردند. ارکون، در این روند به دنبال روشمندی تاریخ است که در گذر از افسانه و اسطوره به تاریخ عینی صورت می‌پذیرد.<sup>۶۳</sup> به نظر ارکون، تاریخ آن‌گونه که شایسته است، به دست ما نرسیده است؛ چه اینکه برخی از ابعاد تاریخ به وسیله حکام جور و پادشاهان مخفی شده و بسیاری از روایات تاریخی، گزینشی هستند. از این‌رو، تاریخ به دو نوع منفی و مثبت تقسیم می‌شود. نوع منفی تاریخ، مغفول مانده و حذف شده است که محقق باید به دنبال یافتن آن، تاریخ را دوباره واکاوی کند. تاریخ مثبت هم بدون تاریخ منفی و حذف‌شده، ارزشی ندارد. ارکون، معتقد است که تاریخ منفی، آن قرائتی از تاریخ است که جنبه غیررسمی تاریخ را تشکیل داده و یا می‌توان آن را روی دیگر سکه تاریخ نامید. به اعتقاد وی، تاریخ را پیروزمندان و اقویا می‌نویسند و ضعفا در نوشتن تاریخ نقشی ندارند.<sup>۶۴</sup> بدین جهت، ارکون تاریخ را به صورت خطی مستقیم نمی‌بیند؛ بلکه آن را مجموعه‌ای از خطوط مختلف و جریان‌های متفاوت و یا حتی متراکم می‌داند.<sup>۶۵</sup>

دیدگاه تاریخی ارکون در کتابش به نام *نزعة الأئسنة في الفكر العربي*، به خوبی منعکس است؛ زیرا وی در این کتاب به دنبال تاریخی است که افرادی مثل ابن مسکویه و توحیدی نوشته‌اند؛ نه تاریخی که اقویا و پادشاهان جعل نموده‌اند. صرف نظر از اینکه گزارش‌های مورخان یادشده به چه میزان از تأثیر حاکمان منزه بوده است، به نظر ارکون، تاریخی که ابن مسکویه و ابوحیان توحیدی ارائه کرده‌اند، به واقعیت نزدیک‌تر است. بنابراین، او دیدگاه کسانی را که تاریخ را از آن بزرگان و نوابغ می‌داند، نمی‌پذیرد و کلیت تاریخ را نوشته گروهی از عامه مردم می‌داند؛ نه گروهی خاص.

ارکون، در یکی از فصول کتاب *نزعة الأئسنة في الفكر العربي* فصلی جداگانه در باب «حکمت و تاریخ» دارد.<sup>۶۶</sup> ارکون تاریخ‌نگاری ابن مسکویه را نه تنها از جهت تاریخی، بلکه شخصیت او را به عنوان یک فیلسوف بررسی نموده است. ارکون ادعا دارد که تاریخ‌نگاری مسکویه به گونه‌ای عمیق مورد تأمل واقع نشده است و میراث تاریخی ما، به تلاشی دوباره برای فهم آن به صورت عمیق نیاز دارد. ارکون حتی در مورد تواریخ و مورخان اسلامی دیگر مثل طبری (م ۳۱۰ق) و مسعودی (م ۳۴۶ق) نیز چنین نظری دارد.

ارکون، نگرش‌ها و سؤال‌های مطرح‌شده در مورد نگاه به تاریخ را در مورد ابن مسکویه تکرار نموده و به پاسخگویی پرداخته است. به نظر ارکون، تاریخ در یک تقسیم‌بندی کلی، به تاریخ اعتقادی و تاریخ وقایعی تقسیم می‌شود. رویکرد اعتقادی به تاریخ، در واقع دخالت‌دادن عقاید و باورهای خود در مطالعات تاریخی می‌باشد. از دیدگاه او، تاریخ وقایعی نیز همان رویکردی است که به وقایع و اتفاقات تاریخی به صورت صرف می‌پردازد؛ یعنی بدون دخالت عقاید و باورهای ما.<sup>۶۷</sup> ارکون در تاریخ اعتقادی، به طرح سؤال‌هایی می‌پردازد و خاستگاه این نوع نگرش در اسلام را از قرآن دانسته است؛ سؤال‌هایی مانند اینکه: آیا تاریخ را باید این‌گونه نگریست که صحنه جدال میان خیر و شر، حزب‌الله و حزب شیطان باشد؟ آیا تاریخ عرصه‌ای برای تحقق عدالت می‌باشد؟ پرسش‌هایی از این دست، از جمله سؤال‌های تاریخ اعتقادی هستند. ارکون، تاریخ‌نگاری لاهوتی یا فرا تاریخی را از

تاریخ‌نگاری وقایعی جدا می‌داند. ارکون، از تأثیر رویکردهای واردشده در تفکر اسلامی در مورد تاریخ سخن گفته و بر میراث تاریخ‌نگاری یونانی تأکید دارد. وی معتقد است که میراث یونانی، در رویکرد ما به تاریخ اسلام مؤثر بوده است.<sup>۶۸</sup>

به عقیده ارکون، در مطالعه تاریخ اسلام، با مشاهده جنگ‌های خونینی که پس از رحلت پیامبر ﷺ اتفاق افتاد، دو برداشت کلی از اسلام را شاهدیم که هر دو الهام، برگرفته از قرآن‌اند. جنگ میان امام علی علیه السلام و معاویه، صرفاً جنگی برای تصاحب قدرت نبود؛ بلکه این جدال، تبلور برخورد میان دو عقیده بود و این برخورد، در راستای کسب مشروعیت میان دو گروه تفسیر می‌شود؛ زیرا حکومت بدون مشروعیت، قوام نخواهد داشت و این مشروعیت، مشروعیتی است که باید برگرفته از تعالیم قرآن و سنت باشد. رویکرد شیعه و سنی به حوادث پس از پیامبر ﷺ نیز همین‌طور قابل تفکیک است. شیعه، روایت خاص خود را از حوادث تاریخی دارد و سنیان نیز روایت مخصوص به خویش را دارند؛ روایتی که اعتقادات خود را در مورد نظام سیاسی تأیید می‌کند.

ارکون، شیعیان را به تاریخ اعتقادی بر اساس قرآن که رویکردی فرا تاریخی است، متمایل می‌داند و در مقابل، سنیان را طرفدار تاریخ وقایعی بر اساس توجیه نظام حاکم (پذیرش وضع موجود) بر مبنای وقایع اتفاق‌افتاده می‌داند. ارکون، معتقد است که شیعیان در تاریخ اعتقادی برگرفته از قرآن، به گونه‌ای اغراق‌آمیز پیش رفته‌اند و کل وقایع و حوادث تاریخی بعد از پیامبر ﷺ را در این راستا تفسیر کرده، به مشروعیت ائمه علیهم السلام می‌رسند. اهل سنت نیز به عکس، در تفسیر حوادث به پذیرش واقعیات تن داده و به پیروزی معاویه بر علی علیه السلام و حتی مشروعیت‌دادن به حکومت او می‌رسند.<sup>۶۹</sup>

ارکون، در نقد رویکرد شیعه به تاریخ، آنان را در نقل روایات تاریخی به دادن صبغه‌های ادبی به روایات تاریخی متهم می‌کند. وی معتقد است، شیعیان در نقل روایات تاریخی به خطا رفته‌اند. وقایع تاریخی مانند جنگ صفین و جنگ جمل، نمونه بارز این خطاهاست. ارکون، شیعیان را در نقل‌های تاریخی، حتی به «نمایشنامه‌نویسی»<sup>۷۰</sup> بیشتر



شبيه می‌داند تا روایت حوادث تاریخی. ارکون، در نقد روایت تاریخی شیعیان، بدون اینکه تعریف خود از شیعه را ارائه داده و فرق مختلف را متمایز سازد، ایشان را متهم به غلو، بزرگ‌نمایی و اضافه‌نمودن در تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام متهم نموده است.<sup>۷۱</sup>

ارکون، در نقد رویکرد سنّیان به تاریخ، معتقد است که آنان در نقل روایت‌ها و حوادث تاریخی، به عکس شیعیان عمل کرده‌اند. سنّیان با قبول وضعیت موجود، خود را از هرگونه شک و دودلی درباره روایات تاریخی فارغ کرده‌اند و روایات تاریخی را که به وسیله حکام نوشته شده و معمولاً با دروغ، اضافات و حذف همراه بوده، مسلم دانسته‌اند. سنّیان تا آنجا پیش رفتند که پیروزی معاویه بر علی علیه‌السلام را به عنوان سنّتی بدیل آنچه بوده است، پذیرفتند؛ در صورتی که معاویه با زور و قدرت به خلافت رسیده بود. این در حالی است که سنّت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به این نوع خلافت مشروعیتی نمی‌بخشد.<sup>۷۲</sup>

به نظر ارکون، در دوره عباسیان که آغاز دوره دوم تاریخ اسلام است، نوعی رویکرد متفاوت را مشاهده می‌کنیم که تأثیرات قابل توجه دیگری بر نگرش‌های تاریخی نهاد. با پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی حاصل‌شده در دوره عباسیان، می‌بینیم تاریخ‌نگاری جدیدی در فضای علمی به وجود می‌آید و تاریخ‌نگاری از حالت سنّتی و محدود خود، به فضایی آزادتر تبدیل می‌گردد.<sup>۷۳</sup> در این دوره، با به‌وجود آمدن فضای عقلانی جدید توسط معتزله و اهمیت یافتن جایگاه شیعیان معتدل که با نظام عباسی همکاری می‌کردند، شاهد برون‌رفت از تاریخ‌نگاری محدود سنّتی دوره امویان، به تاریخ‌نگاری جدیدی هستیم که نمونه بارز آن را در تاریخ‌نگاری یعقوبی (م ۲۸۴ق) می‌بینیم.<sup>۷۴</sup> در این دوره، ادبیات تاریخی تغییر کرد و به‌گونه‌ای دنیایی شد و تاریخ، جزئی از ادبیات گردید. کتاب‌هایی تاریخی نوشته شد که صبغه ادبی داشتند و «ادب الکاتب» نامیده شدند که به معنای «معارف دنیایی منشیان دربار» بود.<sup>۷۵</sup> اولین اثری که از جهت شمول‌گرایی مشاهده می‌شود، تاریخ یعقوبی (م ۲۸۴ق) بود که وی موفق گردید تاریخی شامل تمامی ملل بنویسد. پس از او، مسعودی (م ۳۴۵ق) با تمایلات شیعی، همان صبغه ادبی را در اثر خود داشت و در نهایت،

طبری (م ۳۱۰ق) با تعادل تقریبی بین شیعه و سنی و در صدد توازن بین آن‌ها، تاریخی شامل نگاشت.

با ورود تفکر عقلانی و یا فلسفه یونانی به اسلام، رویکردهای فرا تاریخی در شیعه نمایان گردید؛ درحالی‌که همین تاریخ در بخش سنیان، در جهت مشروعیت‌بخشی به خلافت خلفا به کار گرفته می‌شد. بنابراین، با ورود فلسفه و اوج عقلانیت در اسلام، تاریخ با دو رویکرد گاه‌شماری و بدون گاه‌شماری<sup>۷۶</sup> نگاشته شد. از این‌رو، در این دوره، دو نوع کتاب تاریخی را شاهدیم؛ اول، بدون گاه‌شماری، مثل: *الحکمة الخالدة، نهج البلاغة*،<sup>۷۷</sup> *الصدقة والصدیق و روضة العقلاء و نزهة الفضلاء*. دوم، گاه‌شماری و تاریخی محض، مانند کتاب‌های نویسندگانی چون: جهشیاری،<sup>۷۸</sup> صولی،<sup>۷۹</sup> مسعودی<sup>۸۰</sup> و مقدسی<sup>۸۱</sup> و...<sup>۸۲</sup>

با کمی دقت در می‌یابیم که ارکون، در صدد است برای ابن‌مسکویه جایگاهی در تاریخ بیابد و او را در آن جایگاه قرار دهد. ارکون در قرائت خود از تاریخ ابن‌مسکویه، این هدف را دنبال می‌کند که او را یک فیلسوف تاریخ‌نگار معرفی کند. ارکون برای این منظور، ابتدا تاریخ اسلام را به دو دوره مستقل، یعنی دوره «امویان» و «عباسیان» تقسیم نموده که از نظر اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، دو دوره مجزا از هم محسوب می‌شوند و سپس، به ذکر تفاوت‌های عمده این مراحل تاریخی می‌پردازد. اولین تفاوت تاریخ اعتقادی و تاریخ وقایعی، این بود که ریشه در نزاع‌های بین شیعه و سنی داشت و دو گونه برداشت از قرآن و حوادث تاریخ اسلام را شکل‌دهی می‌کرد.

دومین تفاوت که به دوره عباسیان باز می‌گردد، ارتباط مستقیم با پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی داشت که به دنیاگرایی و شعوبی‌گری مربوط می‌شد. سومین تفاوت در همین دوره، با فلسفه و عقلانیت در جهان اسلام ارتباط داشت که طی آن، شیعیان به فرا تاریخی‌بودن، و سنیان به واقع‌گرایی در حوادث گرایش پیدا کردند. در مرحله آخر، ارکون پس از گونه‌شناسی تاریخ‌نگاری ابن‌مسکویه رازی، او را در ردیف کسانی قرار

می‌دهد که همچون طبری دارای شمول‌گرایی، دوربودن از فلسفه و در اعتدال میان سنی و شیعه‌بودن هستند.

### نتیجه‌گیری

ارکون در مطالعات تاریخی خود، روش نقد تاریخی را مبنای کار خویش قرار داده است. وی در آثار تاریخی‌اش، با هجرت از روش فلولوجی (فقه اللغه) و به‌کارگرفتن روشی جدید و ابتکاری، شیوه‌ای نو را در مطالعه تاریخ اسلام استفاده نموده است. نقد شیوه‌های مطالعاتی مستشرقان و اندیشمندان مسلمان، تحلیل‌های عقلانی و نقد منابع تاریخی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های روش نقد تاریخی ارکون می‌باشد. در روش نقد تاریخی وی، تاریخ بر اساس استناد، تحلیل و دقت، بازنویسی خواهد شد. روش نقد تاریخی ارکون، مشتمل بر دقت‌ها و ظرافت‌های رویکردی و در نتیجه، دستاوردهای جدید در مطالعات تاریخی خواهد بود؛ اما با وجود این، هنوز مورد استقبال اندیشمندان مسلمان قرار نگرفته است.

## پی نوشت ها:

1. Louis Massignon.
2. La Sorbonne.

٣. برابر با سال ١٤٣١ - ١٤٣٢ ق.

٤. Léon Brunschvicg, فیلسوف ایدئالیست فرانسوی سده نوزدهم و بیستم میلادی است.

٥. Charles Pellat, عربی دان فرانسوی است که ویراستار دانشنامه اسلام (ویرایش دوم) بود.

٦. Claude Cahen, مستشرق و تاریخ نگار فرانسوی که مارکسیست بود.

٧. ارکون، محمد، *الفکر العربی؛ الإسلام: إصالة وممارسة*، ترجمه عادل العوا، بیروت: دار عویدات، ١٩٧٩ م.

٨. همو، *تاریخیه الفکر العربی الإسلامی*، ترجمه هاشم صالح، بیروت: مرکز الإنماء القومي، ١٩٨٦ م.

٩. همو، *الفکر الإسلامی؛ قراءة علمیه*، ترجمه هاشم صالح، بیروت: مرکز الإنماء القومي، ١٩٨٧ م.

١٠. همو، *الإسلام؛ الأخلاق والسیاسة*، ترجمه هاشم صالح، بیروت: مرکز الإنماء القومي، ١٩٨٦ م.

١١. همو، *الفکر الإسلامی؛ نقد وإجتهداد*، ترجمه هاشم صالح، بیروت: مرکز الإنماء القومي، ١٩٩٥ م.

١٢. همو، *العلمنة والدين؛ الإسلام، المسيحية، الغرب*، ترجمه هاشم صالح، بیروت: دار الساقی، ١٩٩٠ م.

١٣. همو، *من الإجتهداد إلى نقد العقل الإسلامی*، ترجمه هاشم صالح، بیروت: دار الساقی، ١٩٩١ م.

١٤. همو، *من فیصل التفرقة إلى فصل المقال: أين هو الفکر الإسلامی المعاصر؟*، ترجمه هاشم صالح، بیروت: دار الساقی، ١٩٩٣ م.

١٥. همو، *الإسلام أوروبا الغرب*، ترجمه هاشم صالح، بیروت: دار الساقی، ١٩٩٥ م.

١٦. همو، *نزعة الأنسنة فی الفکر العربی*، ترجمه هاشم صالح، بیروت: دار الساقی، ١٩٩٧ م.

17. Freie Universität Berlin.
18. Wissenschaftskolleg.
19. Princeton University.
20. University of California, Los Angeles.
21. Academic Ranking of World Universities.

۲۲. فرامرز قراملکی، احد، روش‌شناسی مطالعات دینی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، اول، ۱۳۸۰ش، ص ۲۳۰ - ۲۳۱.
۲۳. پاکتچی، احمد، روش‌شناسی تاریخ، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۱ش، ص ۲۴.
۲۴. همو، تقد متن، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۱ش، ص ۳۰.
۲۵. بلیکی، نورمن، پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، اول، تابستان ۱۳۹۱ش، ص ۳۰.
۲۶. همان، ص ۲۹.
۲۷. همان، ص ۳۰ و ۳۱.
۲۸. معادل واژه انگلیسی approach، رویکرد است که به معنای راه، روش و منظرهای متفاوت به کار می‌رود.
۲۹. السید، رضوان، المصادر الإسلامية فی دراسات محمد اركون، به نقل از کتاب: جمعی از نویسندگان، محمد اركون المفكر والباحث والإنسان، بیروت: مركز الدراسات الوحدة العربية، ۲۰۱۱م، ص ۲۴.
۳۰. همان.
۳۱. «نزعة الأنسنة»، واژه‌ای است که اركون برای مفهوم آنچه در غرب به نام «مرگ انسانیت» مطرح شده، استفاده نمود. این واژه، به نهیلیسم و اشاعه یوچ‌گرایی اشاره دارد که با آثار نیچه ترویج گردید. وی از این اصطلاح، به غایب‌شدن خدا از جهان تعبیر می‌کند و در اینجا ما آن را به معنای «میل به انسان‌گرایی در فکر و اندیشه اسلامی» ترجمه می‌کنیم.
۳۲. اركون، محمد، نزعة الأنسنة فی الفكر العربي، بیروت: دار الساقی، دوم، ۲۰۰۶م، ص ۱۴.
۳۳. السید، رضوان، پیشین، ص ۲۵.
۳۴. اركون، محمد، الفكر الاسلامی قرائة علمية، بیروت: المركز الثقافی العربي، دوم، ۱۹۹۶م، ص ۳۶.

۳۶. همو، *نزعة الأنسنة في الفكر العربي*، پیشین، ص ۵۵۹.
۳۶. البته نگاه ارکون، قابل خدشه است؛ زیرا بسیاری از آیات قرآن کریم بر فرا تاریخی بودن اسلام تأکید دارد. ضمن اینکه دیدگاه ارکون، مخالف نظر مشهور علما و صاحب‌نظران در مورد رابطه تاریخ و اسلام است.
۳۷. ارکون، محمد، *الفکر الإسلامی*، پیشین، ص ۶۱.
۳۸. ارکون، محمد، *الإسلام؛ الاخلاق والسياسة*، پیشین، ص ۱۷۴، به نقل از کتاب: ابی‌نادر، نایله، *التراث والمنهج بين ارکون و الجابري*، بیروت: الشبكة العربية للأبحاث والنشر، اول، ۲۰۰۸م، ص ۹۶.
۳۹. ابی‌نادر، نایله، پیشین، ص ۹۸.
۴۰. حتی می‌توان گفت که به طور ناخودآگاه، ارکون هنوز - با وجود انتقادهایی که از روش‌های مستشرقان دارد - تحت تأثیر روش فلولوجی آنان قرار دارد. (ن.ک: ارکون، محمد، *نزعة الأنسنة في الفكر العربي*، پیشین، ص ۵۵۸)
۴۱. فلولوجی یا فقه اللغة.
۴۲. فلولوجی یا فقه اللغة، عبارتی است که ارکون برای توصیف مطالعات مستشرقان به کار برده است. در این روش، اصل بر آن است که متون دینی بر اساس معنای لغوی و تحلیل تاریخی آن در نظر گرفته می‌شود و در این صورت، تاریخ اسلام در معنایی خطی، مستقیم و محدود و در ارتباط با معنای لغوی متون و نصوص دینی بازنویسی خواهد شد. (ن.ک: بلقزیز، عبد الإله، *الإستشراق وحدوده المعرفية - المنهجية؛ مطالعات في تقديرات محمد ارکون*، به نقل از کتاب: *مجموعة من الباحثين؛ محمد ارکون المفکر والباحث والإنسان*، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربية، ۲۰۱۱م، ص ۶۶)
۴۳. ن.ک: حرب، علی، *تقد النص*، بیروت: المركز الثقافي العربي، چهارم، ۲۰۰۵م، ص ۳۵ و ۶۷.
۴۴. ارکون، معتقد است که دیدگاه لغوی، دید محدودی را به محقق دیکته می‌کند. (ارکون، محمد، *الفکر الإسلامی*، پیشین، ص ۱۱۰)

۴۵. ارکون، محمد، *تاریخیه الفکر العربی الاسلامی*، بیروت: مرکز الثقافی العربی، سوم، ۱۹۹۸م، ص ۲۵۹.

۴۶. Theodor Nöldeke. یکی از برجسته‌ترین خاورشناسان آلمانی، و از مترجمان قرآن به زبان آلمانی است.

۴۷. Régis Blachère. شرق‌شناس و عربی‌دان فرانسوی، و یکی از مترجمان قرآن به زبان فرانسوی است.

۴۸. ارکون، محمد، *القرآن من التفسیر الموروث إلى تحلیل الخطاب الدینی*، بیروت: دار الطلیعة، دوم، ۲۰۰۵م، ص ۳۰.

۴۹. بلقریز، عبد الإله، *الإستشراق وحدوده المعرفیه - المنهجیه؛ مطالعات فی تقدیات محمد ارکون*، به نقل از کتاب: محمد ارکون، پیشین، ص ۶۴ - ۶۹.

۵۰. نگاه ارکون به تحقیقات مسلمانان در این زمینه، نگرشی به شدت انتقادی است؛ به طوری که مطالعات استشراقی را بسیار در درجه بالاتری از پژوهش ارزیابی می‌کند. (ن.ک: ارکون، محمد، *قضایا فی تقد العقل الدینی*، بیروت: دار الطلیعة، چهارم، ۲۰۰۹م، ص ۱۴۳ و ۱۴۸)

۵۱. طه حسین (۴ نوامبر ۱۸۸۹ - ۲۸ اکتبر ۱۹۷۳م)، نویسنده و سخنور مصری، و از پیشگامان جنبش نوگرایی در مصر بود.

۵۲. به عقیده ارکون، استفاده بی‌چون و چرا و محض از روشی خاص در استفاده از نصوص دینی که روش لغوی یک نمونه بارز آن است، نباید انسان را به اشتباه بیندازد؛ زیرا دلایل و قراین تاریخی وجود دارد که ضعف‌های روش‌های گفته‌شده را نشان خواهد داد و نباید از آن غافل بود. (ارکون، محمد، *الفکر الاسلامی*، پیشین، ص ۳۶)

۵۳. همان، ص ۳۵ و ۳۶.

۵۴. ارکون با استفاده از علوم انسانی، به شیوه‌های جدید پژوهش دست یافته و آن‌ها را در تاریخ اسلام به کار می‌گیرد و حتی به خلق اصطلاحات جدید نیز دست می‌زند. (ن.ک: ارکون، محمد، *تاریخیه الفکر العربی*، پیشین، ص ۲۲۶)

۵۵. بلقریز، عبد الإله، *الإستشراق وحدوده المعرفية - المنهجية؛ مطالعات فی تقدیات محمد ارکون*، به نقل از کتاب: محمد ارکون، پیشین، ص ۶۹.
۵۶. ارکون، محمد، *الفکر الإسلامی*، پیشین، ص ۳۷.
۵۷. ارکون، در یکی از آثار خویش، فصلی جداگانه در مورد فهم حال و آینده به وسیله گذشته دارد و همین معنا را در کلّ فصل پاسخ می‌دهد. (ن.ک: ارکون، محمد، *قضايا فی نقد العقل الدینی*، پیشین، ص ۱۹۹ - ۲۲۷)
۵۸. *المنهجية التراجعية*.
۵۹. *المنهجية التقدمية*.
۶۰. ارکون، محمد، *الفکر الإسلامی*، پیشین، ص ۱۶۴.
۶۱. ابی نادر، نایله، *ارکون والمنهج النقدي*، به نقل از کتاب: محمد ارکون، پیشین، ص ۱۱۸ و ۱۱۹.
۶۲. «الإسلاميات التطبيقية» که می‌توان آن را برای داده‌های علوم انسانی و اجتماعی مناسب دانست. (ابی نادر، نایله، *ارکون والمنهج النقدي*، به نقل از کتاب: محمد ارکون، پیشین، ص ۱۱۹)
۶۳. همان، ص ۱۱۹.
۶۴. ابی نادر، نایله، *التراث و المنهج بین ارکون و الجابری*، پیشین، ص ۹۴ - ۹۶.
۶۵. رویکرد خطی مستقیم به تاریخ از سوی برخی مستشرقان فرانسوی و مکتب آنان، در سال ۱۹۲۹مورد نقد جدی قرار گرفت. همچنین، ارکون نگاه به تاریخ را به صورت مستقیم نمی‌پذیرد و آن را مجموعه خطوط درهم می‌داند. (ن.ک: ارکون، محمد، *نزعة الأئسنة فی الفكر العربي*، پیشین، ص ۵۵۹) همچنین، باید دانست که اصولاً نگاه ارکون به اسلام، به گونه‌ای متفاوت در آثار او ثبت شده است. وی اسلام را به صورت تاریخی و یا اعمال و افعال متراکم تاریخی می‌داند که از سوی مسلمانان در کلّ تاریخ اسلام شکل گرفته است. (ن.ک: ارکون، محمد، *نحو نقد العقل الإسلامی*، بیروت: دار الطلیعة، اول، ۲۰۰۹م، ص ۲۸۴)
۶۶. ارکون، محمد، *نزعة الأئسنة فی الفكر العربي*، پیشین، ص ۵۵۵.
۶۷. همان، ص ۵۶۲.



۶۸. ارکون، به تاریخ‌نگری وقایعی در حدّ اشاره بسنده کرده است. وی بخش فرا تاریخی را مطرح نموده و آن را «تاریخ‌نگری لاهوتی» نام نهاده است. (ن.ک: ارکون، محمد، *نزعة الأسننة فی الفكر العربی، پیشین، ص ۵۵۵ - ۵۶۱*)

۶۹. ن.ک: همان، ص ۵۶۱ - ۵۶۳. ارکون، با تقسیم‌بندی‌هایی که در تاریخ اسلام برای فتنه انجام داده، فتنه‌ها را گونه‌شناسی نموده و قرائتی نو از آن ارائه کرده است. (ن.ک: ارکون، محمد، *تاریخیه الفكر العربی، پیشین، ص ۲۲۴ - ۲۲۶*)

۷۰. المسرحیة.

۷۱. ارکون، محمد، *نزعة الأسننة فی الفكر العربی، پیشین، ص ۵۶۲*.

۷۲. همان.

۷۳. همان، ص ۵۶۳.

۷۴. همان.

۷۵. همان، ص ۵۶۴.

۷۶. مستوی زمن و مستوی لازم (با زمان و بدون زمان).

۷۷. البته واضح است که کتاب *نهج البلاغه* مشتمل بر گزاره‌های تاریخی است؛ اما نمی‌توان آن را یک منبع تاریخ‌نگاری دانست.

۷۸. ابو عبدالله محمد بن عبدوس (م ۳۳۱ق)، تاریخ‌نگار اخباری، کاتب و دولتمرد در اواسط دوره عباسیان می‌باشد.

۷۹. ابراهیم بن عباس صولی (م ۲۴۳ق)، شاعری فصیح، ادیبی بلیغ و نویسنده‌ای بزرگ بوده است.

۸۰. علی بن حسین مسعودی (م ۳۴۶ق)، تاریخ‌نگار، جغرافی‌دان، دانشمند و جهان‌گرد عرب بود.

۸۱. مطهر بن طاهر مقدسی (م حدود ۳۵۵ق)، از جغرافی‌دانان و تاریخ‌نگاران مسلمان می‌باشد.

۸۲. ارکون، محمد، *نزعة الأسننة فی الفكر العربی، ص ۵۵۹ - ۵۶۶*.